یکشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۵ ■ شماره ۷۳۵۲ ■ سال بیست و نهم

PDF Compressor Free Version

چرا ترامپ از جنگ دوباره با ایران فاصله گرفت؟



«به نظر می‌رسد که‌عدم آمادگی برای انعطاف از سوی طرفین علت اصلی به بن‌بست رسیدن مذاکرات است. طرح هفت روزه و بعد دو روزه ایران مورد قبول ترامپ نبود و ایران نیز حاضر به نشان دادن انعطافی نشد.»

کوروش احمدی در یادداشتی نوشت: «ترامپ در چند روز اخیر طی دو پیام در شبکه اجتماعی‌اش تحولی اساسی در روند تقابلات و تجاوزات آمریکا علیه ایران ایجاد کرده است. او در پیام نخست به نحوی صریح و با استناد به اینکه گویا کشورهای منطقه ادامه محاصره دریایی و فشار اقتصادی علیه ایران را ترجیح می‌دهند، علامتی جدی مخابره کرد مبنی بر اینکه فعلا قصدی برای اقدام به جنگ تمام‌عیار دیگری علیه ایران ندارد. او در پیام دوم عملا دست معاونش جی‌دی ونس را از امور مربوط به ایران کوتاه کرد و به‌طور علنی و با لحنی غیرمعمول از او خواست تا به کاری که قبلا برایش مقرر شده بود، یعنی رسیدگی به فساد در ایالات و شهرهایی که کنترلشان در دست دموکرات‌ها است، بپردازد.

به‌طور معمول نمی‌توان و نباید اظهارات و پیام‌های ترامپ را به‌دلیل زیاد حرف زدن او و ضدونقیض گویی او و در لحظه زندگی کردن او زیاد جدی گرفت؛ مگر اینکه شواهد و قراینی که مؤید جدیت آن‌ها باشد، نیز یافت شود. در مورد این دو پیام به نظر می‌رسد شواهد و قرائن کافی برای جدی گرفتن آن‌ها وجود دارد. اولا او بعد از آن دو پیام، در چند مصاحبه نیز همان حرف‌ها را تکرار کرد. ثانیا در مورد احتراز از یک جنگ تمام‌عیار دیگر، سوال اصلی همیشه این بوده که درحالی‌که تجاوز ۴۰روزه حاصلی برای او نداشت، چه هدفی قرار است از طریق یک جنگ مشابه دیگر محقق شود؟

روشن است که هیچ‌گاه «تغییر رژیم» از طریق بمباران هوایی ممکن نیست. حتی اسرائیل برغم جنایات و نسل‌کشی گسترده در غزه، نتوانسته است کنترل غزه را از دست حماس درآورد. ترامپ در یک جنگ دیگر تنها ممکن است بتواند خسارات بیشتری به ایران وارد کند. ثالثا کشورهای نفت‌خیز منطقه نیز که در یک جنگ دیگر متحمل خسارات سنگینی خواهند شد، حتما ادامه محاصره دریایی را به جای جنگ ترجیح می‌دهند و خواستار جلوگیری از بازگشت تلاطم بیشتر به بازار جهانی انرژی هستند. رابعا شکست فاحش ترامپ در انتخابات میان‌دوره‌ای قطعا نه تنها تاکیدی برعدم مشروعیت جنگ در نگاه مردم آمریکا بود، بلکه موجب تقویت دست جناحی در دولت او نیز شد که به جای جنگ، ادامه محاصره دریایی و فشار اقتصادی را توصیه می‌کند.

اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری، از چند هفته پیش این نظر را مطرح می‌کرد و جی‌دی ونس و رئیس سیا و ویتکاف و کوشنر و فرزند ترامپ نیز چنین نظری دارند. خامسا اسرائیل در حال حاضر در نوعی بلاتکلیفی به سر می‌برد و دوایر نظامی و امنیتی آن و نیز طیف مرتبط با آیزنکوت موافق جنگ در شرایط کنونی نیستند. از سوی دیگر برکناری ونس از امور ایران توسط ترامپ را شاید بتوان پاتکی علیه او و علیه جریان مخالف جنگ به شمار آورد که علنا مطالب ناخوشایندی مطرح می‌کردند. انتقاد علنی ونس که در آن گفت: «جنگ را خاتمه دهید» و «روابطمان با اسرائیل را تغییر دهید» چیزی نبود که ترامپ بتواند راحت از کنار آن بگذرد. اهمیت این تحول برای ما این است که ونس نامه‌ای به آقای رضایی نوشته بود و گزارش‌ها حاکی از تلاش برای ترتیب ملاقاتی بین او آقای رضایی بود. برکناری ونس از امور ایران را اکنون می‌توان نشانه تضعیف جناح مخالف جنگ در دولت ترامپ به شمار آورد؛ خاصه آنکه ترامپ در توییت خود اساسا نیاز به توافقی با ایران را رد کرده است. این ادعا به‌عدم نیاز به توافق با ایران می‌تواند به این معنی باشد که تصور می‌کند محاصره دریایی ایران برای تامین خواست آمریکا کافی است.

به نظر می‌رسد که‌عدم آمادگی برای انعطاف از سوی طرفین علت اصلی به بن‌بست رسیدن مذاکرات است. طرح هفت روزه و بعد دو روزه ایران مورد قبول ترامپ نبود و ایران نیز حاضر به نشان دادن انعطافی نشد. این طرح که در واقع بازنویسی یادداشت تفاهم اسلام‌آباد و پیشنهادی برای پایان جنگ آن است، مورد قبول ترامپ قرار نگرفت و او بعد از برکناری ونس از امور ایران، سخنانی در رد یادداشت تفاهم گفته است که هم به معنی مقصر جلوه دادن ونس در این رابطه است و هم تاکید بیشتر برعدم بازگشت به آن یادداشت‌تفاهم است. تصور ترامپ این است که به ادعای خودش تنگه هرمز را باز کرده و در نتیجه نیازی به اینکه امتیازات متعدد و مهمی صرفا در ازای بازکردن تنگه توسط ایران بدهد، ندارد. به این خاطر او طی هفته‌های اخیر هرگونه امتیاز به ایران را به مساله هسته‌ای و دریافت امتیاز در این حوزه گره زده است؛ چیزی که برای ایران قابل قبول نیست.

از سوی دیگر سوال این است که آیا مقامات ما دست خود را خوب بازی کردند یا خیر. آیا توجه داشتند که نباید دست به اقدامی که ونس را به سود جناح جنگ‌طلب در دولت ترامپ تضعیف کند، بزنند؟ مساله این است که آقای رضایی نامه ونس را بی‌جواب گذاشت و به‌رغم تلاش‌ها در منطقه برای ترتیب دادن ملاقاتی بین رضایی–ونس، در تهران هرگونه احتمال ملاقات با ونس قویا تکذیب می‌شد. از طرفی، مواضع آقای رضایی نیز تندتر و تندتر می‌شد. ایشان در ۲۰آبان در مصاحبه با المیادین از «پایان جنگ در غرب آسیا، به‌ویژه لبنان به‌عنوان یک شرط اساسی» سخن گفت و تاکید کرد که «ذره‌ای از مواد هسته‌ای از ایران را خارج نخواهیم کرد و به آن‌ها برای کشتی‌ها و زیردریایی‌های هسته‌ای نیاز هست.» اکنون ما مانده‌ایم با محاصره دریایی و ادامه فشار آمریکا به همسایگانمان برای بستن مرزهای زمینی و احتمال ادامه حملات محدود و مقطعی در سواحل و جزایر جنوب در ارتباط با تنگه هرمز. کاهش حدود ۲۰دلاری بهای نفت نیز که ظاهرا در ارتباط با کاهش تهدید جنگ بود، نیز فاکتور مهمی است که بسیار گویا است. اگر تهدید جنگ کاملا منتفی شود که هنوز نشده است، ممکن است بهای نفت به زیر ۹۰دلار نیز برسد و در این صورت آمریکا مشکلی با اینکه این شرایط «نه جنگ نه صلح» ادامه پیدا کند، نخواهد داشت. اکنون همچنان تنها امید این است که طرفین انعطاف نشان دهند و اجازه دهند که کار از طریق مذاکره به سرانجامی برسد.»

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی شهرستان فومن

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۱۰۲۰۸۰۰۱۴۰۵۶۰۱۰۳۸۰۰۱۴۰۵۶۰۱۰۳۸۰۰۱۴۰۵۶۰۱۰۳